Source:

<http://www.kaleme.com/1390/12/03/klm-91996/>

Accessed: 15/11/12

The author in this article argues that Iran’s constitution has neither enforces the parliamentary formation, nor does the pure republic concept. It argues the role of the Supreme Leader in the political formation and shows the hierarchy of political power.

برتری «نه»، استقلال قوا

علی نجفی‌‌توانا\*

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با ساختاری متفاوت با اکثر قوانین اساسی دنیا نظامی را ترسیم و تنسیق می‌کند که نه با نظام پارلمانی به معنی خاص و نه با نظام جمهوری، مطابقت کامل ندارد. زیرا با وصف پذیرش استقلال قوای سه‌گانه و تعیین وظایف برای هریک از قوا، بخشی از مدیریت کلان کشور در اصل ۱۱۰ در قالب وظایف و اختیارات مقام رهبری به ایشان تسهیل شده است.

اموری که مستقل از سه قوا به نوعی اعمال نظارت و مدیریت بر کلیه مسایل کلان نظام دارد که در این میان، نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی، تعیین سیاست‌های کلی نظام، فرماندهی کل نیروهای مسلح، عزل و نصب فقهای شورای نگهبان، رییس قوه قضاییه، فرماندهان نظامی و سپاه و حل اختلاف و تنظیم روابط سه قوه، امضای حکم ریاست‌جمهوری و برخی دیگر از این موارد از اختیارات فائقه مقام رهبری در کشور است.

هرچند برخی از این امور در مقام اجرا از وظایف ذاتی سه قوه است اما بر کیفیت و نظارت بر اعمال قوای موصوف تحت نظارت مستقیم و غیرمستقیم مقام رهبری است. طبیعتا در مرحله اجرا و انجام وظایف تقنینی، قضایی و اجرایی، هر یک از سه قوه بر اساس مفاد قانون اساسی گسترده و حیطه فعالیت مشخصی دارند که قطع نظر از طبیعت متفاوت وظایف محوله هر سه قوه، نوعی نظارت بر یکدیگر اعمال می‌کنند، به‌گونه‌ای که مجلس شورای اسلامی به عنوان خانه ملت ساز و کار اجرایی دو قوه دیگر را با تصویب قانون و تعیین حدود و وظایف و چگونگی انجام، وظایف قوای دیگر را معین می‌کند و در عین حال اختیار دارد که در مابقی مسایل در حدود مقرر در قانون اساسی از طریق تصویب قانون دخالت کند و در رابطه با تعهدات بین‌المللی با تصویب یا عدم تصویب، دیدگاه نمایندگان ملت را اعمال کند و اصولا در امور کلان که به نوعی به امنیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور ارتباط داشته باشد، ارایه طریق کرده و با استفاده از مکانیزم‌های موجود در قانون مانند اصل ۹۰ بر کار قوه مجریه و قضاییه از جهت انطباق با قانون یا مغایرت با آن و شکایت افراد از طریق حقوقی و حقیقی نظارت کند. در کنار این امور مهم، مجلس می‌تواند با مکانیزم رای اعتماد به رییس‌جمهور و هیات وزیران و همچنین کیفیت عملکرد آنان نظارت داشته و با ساز و کارهایی مانند تذکر، سوال و استیضاح به این نظارت تداوم ببخشد و تا به آن‌جا قدرت قانونی دارد که می‌تواند به عدم کفایت رییس‌جمهور در صورتی که او را مورد استیضاح قرار دهد، اقدام کند. این قدرت فائقه برخاسته از خانه ملت و تبلور و خواست مردم از طریق قوه مقننه است و اگر نمایندگان مجلس با معرفت به طبیعت وظایف خود و اهمیت آنها با دقت و درایت و توانمندی به این وظایف عمل کنند، امور در مجرای درست قرار می‌گیرد.

از طرف دیگر با توجه به ذات وظایف محوله به قوه مجریه و اهمیت این وظایف که با اداره مسایل حیاتی مملکت مانند امور اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و نظامی و امنیتی ارتباط تنگاتنگ دارد، قوه مجریه نیز به نوبه خود از اختیارات واسعه و متعدد و مختلفی برخوردار است. به‌گونه‌ای که ارزیابی رشد یا عقب‌ماندگی و رکود یک جامعه را منتسب به قوه مجریه و شیوه مدیریت آن می‌دانند. قوه مجریه با ریاست‌جمهور مسوولیت اجرای قانون اساسی و قواعد عادی در اداره کشور را بر عهده داشته و در قالب هیات دولت بر اساس قوانین اساسی و عادی تکالیف را انجام می‌دهد.

تنظیم روابط با کشورهای خارجی برنامه برای اداره کشور، تنظیم بودجه، تامین حقوق مردم و ایجاد امنیت همه‌جانبه برای مردم در محدوده وظایف قوه مجریه قرار دارد. قانون اساسی با عنایت به اهمیت، وسعت و تبعات وظایف محوله به قوه مجریه به صراحت در اصل ۱۱۳، رییس‌جمهور را پس از مقام رهبری عالی‌ترین مقام رسمی کشور اعلام کرده است. تفویض این اختیارات و تعیین چنین جایگاهی برای رییس‌جمهور به نظر می‌رسد با هدف ارزیابی قدرت سه قوه در برابر یکدیگر یا بستر‌سازی برای زورآزمایی در مقابل یکدیگر نباشد. در حقیقت تنوع و اهمیت وظایف قوه مجریه برای اداره مملکت و تامین نیازهای کشور و مردم موجب شده است که رییس‌جمهور با عنایت به اصل ۱۹ الی ۴۲ قانون اساسی و اصل ۱۱۳ به بعد آن قانون، به نوبه خود در جایگاه ویژه‌ای قرار گیرد که هرچند ماهیت وظایف این قوه درخصوص رسیدگی به جرایم و دعاوی مردم و احقاق حقوق عامه پیشگیری از وقوع جرم و نظارت بر حسن اجرای قوانین و اجرای عدالت قضایی است اما تصویب‌کنندگان قانون اساسی به‌گونه‌ای با ظرافت اختیاراتی به این قوه تسهیل کرده‌اند که در موارد اساسی قوه قضاییه می‌تواند به هرگونه قانون‌شکنی یا تخطی از ضوابط توسط هر شخص و مقام در هر شرایطی که باشد با مکانیزم‌های پیشگیری، نظارت و مجازات مداخله کند. مصوبات خلاف قانون هیات دولت در دیوان عدالت قابل نقض است، سازمان بازرسی کل کشور به حسن اجرای امور و اجرای صحیح قوانین در نظام اداری نظارت می‌کند، مراجع کیفری و حقوقی بر چگونگی عملکرد ریاست‌جمهور، وزرا، مدیران و کارمندان نظارت داشته و در صورت ملاحظه هرگونه تخلف بی‌توجه به شرایط شغلی، حق تعقیب فرد خاطی را دارند.

ضمن آنکه در صورت ارتکاب جرم توسط نمایندگان مجلس می‌تواند وارد عمل شده و فرآیند دادرسی را اعمال کند. با توجه به مجموع وظایف و احکام مقرر در قانون اساسی، ممکن است این سوال پیش‌ آید که آیا رییس‌جمهور بعد از رهبری به‌عنوان عالی‌ترین مقام رسمی کشور امکان نظارت بر قوای سه‌گانه را دارد یا آنکه صرفا در امور اجرایی در قالب وظایف قوه مجریه این ویژگی و موقعیت مصرح در اصل ۱۱۳ قابل اعمال است.

به نظر می‌رسد که تفسیر اخیر از اصل ۱۱۳ منطبق با قانون اساسی باشد، هرچند رییس‌جمهور در چارچوب ضوابط موجود قدرتی گسترده برای اداره کشور دارد اما در هر اقدام و هر زمان و موقعیت و مکان درخصوص اجرای هر وظیفه «دو شمشیر داموکلس» نظارتی از طرف قوه قضاییه و مقننه و در واقع دو نگاه پاسدار تقریری و قضایی بر کیفیت عملکرد رییس‌جمهور و نهاد و سازمان‌های تحت ریاست وی نظارت داشته و در صورت ملاحظه هرگونه تخطی در حوزه اجرایی کشور ساز و کارهای لازم برای دخالت دارد.

در تحلیل نهایی به نظر می‌رسد اصولا بحث برتری یک قوه بر قوه دیگر با لحاظ مفاد قانون اساسی و شرایط مقرر در آن، بحث سودمند و موثری نباشد و بهتر آن است که در مقام و تطبیق قدرت سه قوه در مقابل یکدیگر برنیاییم زیرا مکانیزم‌های پیش‌بینی شده برای هر قوه به اندازه کافی توانمندی لازم را برای اعلام فائقه بودن قدرت یک قوه در مقابل قوه دیگر دارد.

منبع: شرق